info@payamdaily.ir

پیام

نخستین روزنامه صبح البرز
شماره ۲۶۰۷
چهارشنبه /۲۸ شهریور/ ۱۴۰۳
۱۴ / ربیع الاول / ۱۴۴۶
18 / September / 2024

صاحب‌امتیاز: موسسه‌همگامان‌اندیشه‌زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره‌حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۳۸۳۸-۳۲۵۴۴۳۴۳ -۰۲۶- فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۶۷/۸۰
چاپ: کارگر

امروز با حافظ

مژدگانی بده‌ای دل که دگر مطرب عشق
راه مستانه زد و چاره مخموری کرد
نه به هفت آب، که رنگش به صد آتش نرود
آن چه با خرقه زاهد، می انگوری کرد

گفتند تراصبر دوا گشت از آن روی
تلخ است ولی میوه‌ای همچون شکر آورد
جهان ملک خاتون

اوقات شرعی

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۴:۲۶	۰۵:۵۱	۱۲:۰۰	۱۸:۰۷	۱۸:۲۵

اگر می‌خواهید زندگی شادی داشته باشید، زندگی خود را به یک هدف گره بزنید نه آدم‌ها و چیزها...
آلبرت اینشتین

اشاره

چرا میزان پرداخت وام ازدواج، آب رفت؟!

بسیاری از جوانان در شرف ازدواج وقتی کاهلی دستگاه‌های مسئول در اجرای قانون و مشوق‌های حمایتی را می‌بینند دلسرد می‌شوند و می‌ترسند به سرنوشت جوانانی دچار شوند که به سیاست‌ها و وعده‌ها دلبسته و اعتماد کردند؛ اما ماه‌ها در صف حداقلی‌ترین حمایت دولتی برای دریافت وام ازدواج معطل مانده‌اند یا به خاطر مانع‌تراشی بانک‌ها دستشان از دریافت این تسهیلات قرض‌الحسنه کوتاه شده‌است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از فرهیختگان، بانک مرکزی طی سال‌های گذشته رقم حداقلی ۲۰۰ همت مندرج در تبصره ۱۳ قانون بودجه ۱۴۰۳، را حداکثر در نظر گرفته و با توجه به این سقف اعتباری، سهمیه بانک‌ها برای اعطای تسهیلات تکلیفی را ابلاغ می‌کند. موضوعی که برخلاف اهداف قانون‌گذار اعمال می‌شود و خود به مانعی جدی در روند پرداخت تسهیلات و بهانه‌جویی بانک‌ها بدل شده است.

تمایل جوانان به ازدواج کاهش یافته است!

اخیرا این گزاره نادقیق به‌راحتی وایرال شد و دمادم گزارش درخصوص آن منتشر و برخی آسمان ریسمان بافتند که جوانان نمی‌خواهند ازدواج کنند؛ ولی کمتر کسی درباره اثر وضعیت اقتصادی بر توان جوانان در تشکیل خانواده صحبت کرد. بسیاری از جوانان در شرف ازدواج وقتی کاهلی دستگاه‌های مسئول در اجرای قانون و مشوق‌های حمایتی را می‌بینند دلسرد می‌شوند و می‌ترسند به سرنوشت جوانانی دچار شوند که به سیاست‌ها و وعده‌ها دلبسته و اعتماد کردند؛ اما ماه‌ها در صف حداقلی‌ترین حمایت دولتی برای دریافت وام ازدواج معطل مانده‌اند یا به خاطر مانع‌تراشی بانک‌ها دستشان از دریافت این تسهیلات قرض‌الحسنه کوتاه شده است. چه زندگی‌ها که در همان اول و بهارش به خزان جدایی گرفتار می‌شود. در واقع به جز دهک‌های بالای جامعه، برای بسیاری از اقشار متوسط و ضعیف ایرانی، سروسامان دادن جوانان بدون پشتوانه وام قرض‌الحسنه ازدواج میسر نیست!

طی ۶ ماه اول امسال، ۱۵۵ هزار نفر کمتر از سال قبل تسهیلات دریافت کرده‌اند!

با وجود این، بررسی‌ها نشان می‌دهد عملکرد شبکه بانکی در پرداخت تسهیلات ازدواج نسبت به مدت مشابه سال گذشته از نظر تعداد وام و اعتبار پرداخت شده، به‌صورت جدی افت کرده است. در این خصوص، بنا به داده‌های بانک مرکزی، باوجود اینکه تا تاریخ ۳۰ مردادماه سال پیش، به ۳۲۴ هزار و ۴۲۵ نفر بیش از ۶۶ همت پرداخت شده بود؛ امسال تا روز ۲۹ مردادماه به کمتر از ۱۹۶ هزار نفر حدود ۶۴ همت تسهیلات ازدواج پرداخت شده است. این یعنی نسبت به سال گذشته تا پایان مردادماه ۱۲۹ هزار فقره وام ازدواج، کمتر واریز شده است. همچنین مقایسه عملکرد ۶ ماهه بانک‌ها نیز نشان می‌دهد از نظر تعداد و مبلغ پرداخت شده، امسال نسبت به شش ماهه اول سال گذشته، بانک‌ها ۱۵۵ هزار فقره کمتر تسهیلات قرض‌الحسنه ازدواج پرداخت کرده‌اند. در این زمینه، براساس گزارش بانک مرکزی تا تاریخ ۲۱ شهریور ۱۴۰۲، به ۳۸۵ هزار نفر بالغ بر ۷۸ همت پرداخت شده بود درحالی که اکنون تا مورخه ۱۸ شهریور ۱۴۰۳، کمتر از ۲۳۰ هزار نفر حدود ۷۶ همت دریافت کرده‌اند.

زندگی جوانان، بازیچه سیاست‌های انقباضی بانک مرکزی!

تازه اگر بخواهیم رقم تورم را از میزان تسهیلات پرداختی امسال کسر کنیم که عملکرد بانک‌ها فاجعه‌بارتر می‌شود. بنابراین همان‌طور که از آمارها مشخص است، به هر بهانه‌ای هم که شده رفته‌رفته اوضاع پرداخت تسهیلات ازدواج بدتر می‌شود. با این وجود، بعد از گلایه سازمان بازرسی از عملکرد بانک‌ها در پرداخت تسهیلات ازدواج، رئیس بانک مرکزی در اقدامی پیش‌دستانه طی مکاتبه با رئیس کمیسیون اصل ۹۰، از ایشان خواست تا در اولین فرصت با تشکیل جلسه در مجلس، مساله تسهیلات تکلیفی مربوط به موضوع ازدواج و فرزند، آخرین گزارش‌ها و اقدامات مربوطه و منابع مالی لازم در این باره مورد بررسی قرار گیرد. وی با اشاره به اینکه تکالیف و انتظاری که در این باره از نظام بانکی وجود دارد فراتر از منابع موجود در شبکه بانکی است، گفت: «ممکن است دستیابی به اهداف پیش‌بینی شده، نقدینگی و تورم را دچار مشکل کند».

لطفا آمار غلط ندهید!

بررسی آمارهای این نهاد دولتی نشان می‌دهد این اظهارات رئیس بانک مرکزی نادقیق و غلط است؛ چراکه منابع وام ازدواج طبق بند (ث) تبصره ۱۳ قانون بودجه ۱۴۰۳، مانده حساب‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز و جاری شبکه بانکی تعیین شده که براساس آمار خردادماه بانک مرکزی، موجودی حساب‌های جاری ۱۹۱۰ همت و رقم حساب‌های پس‌انداز، ۸۰۹ همت اعلام شده است. در همین زمینه، به تازگی نصرالله پژمانفر، رئیس کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی درباره اظهارات اخیر فرزین، رئیس کل بانک مرکزی مبنی بر ارسال نامه به وی درباره مشکلات تامین اعتبار وام ازدواج، گفت: «به‌دلیل اینکه تهران نیستم اطلاع ندارم این نامه به دفتر رسیده است یا خیر.» او به حضور فرزین در جلسه امروز کمیسیون اصل ۹۰ اشاره و تصریح کرد: «دوشنبه [۲۶ شهریورماه] رئیس کل بانک مرکزی به‌منظور پاسخگویی درباره وضعیت تسهیلات خرد و کلان و سایر پرونده‌های در دست بررسی این کمیسیون به مجلس می‌آید. آنچه مورد تاکید ماست، پرداخت به‌موقع تسهیلات تکلیفی در چهارچوب قانون و با حفظ کرامت به مردم است.» پژمانفر در پاسخ به این سوال که آیا مشکل فعلی وام ازدواج به‌دلیل عدم منابع و اعتبار کافی است یا کوتاهی بانک‌ها؟ گفت: «مشکل در بانک‌هاست و باید حسابرسی دقیق در این حوزه انجام شود.»

منابع و اعتبار تسهیلات قرض‌الحسنه ازدواج مردمی است!

علاوه‌بر این، بانک مرکزی طی سال‌های گذشته رقم حداقل ۲۰۰ همت مندرج در تبصره ۱۳ را حداکثر در نظر گرفته و با توجه به این سقف اعتباری، سهمیه بانک‌ها برای اعطای تسهیلات تکلیفی را ابلاغ می‌کند. موضوعی که برخلاف اهداف قانونگذار اعمال می‌شود و خود به مانعی جدی در روند پرداخت تسهیلات و بهانه‌جویی بانک‌ها بدل شده است. از این رو، در سه ماهه اول ۱۴۰۳ بسیاری از زوجین جوان پس از ثبت‌نام در سامانه تسهیلات قرض‌الحسنه ازدواج با این پیام مواجه می‌شدند که «در حال حاضر هیچ بانکی در استان انتخابی شما دارای اعتبار نمی‌باشد، دوباره تلاش کنید.» با توجه به مطالب مطرح شده، به‌نظر می‌رسد بانک‌ها بنا ندارند به این سادگی‌ها هم که شده مصوبات قانون بودجه سنواتی و قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت را اجرایی کنند. بنابراین انتظار می‌رود نهادهای نظارتی و نمایندگان محترم مجلس، ضمن حراست از حقوق شهروندان، موجبات حفظ کرامت جوانان و خانواده‌های ایرانی را فراهم کنند. لذا ابتدا باید سهمیه‌بندی ۱۴۴ همتی بانک مرکزی برای تسهیلات ازدواج ملغی شود. سپس با هرگونه تغییر ردیف بودجه و اعتبار تسهیلات ازدواج مخالفت جدی صورت پذیرد. زیرا اینکه از پول خود مردم (منابع قرض‌الحسنه پس‌انداز و جاری) جهت حمایت و تشویق جوانان به ازدواج بهره‌برداری شود، هوشمندانه و پایدارتر از سایر منابع مالی است.

مهدی محمدصادقی، پژوهشگر جمعیت‌شناسی سیاسی

گزارش روز

گردنی که در گرو وعده‌هاست

چینش قطعات سخنان مسعود پزشکیان در نخستین نشست مطبوعاتی وی در قامت رئیس‌جمهور، سازنده یک تابلو امیدآفرین است؛ تابلویی منقش به صلح و صدق. صلحی مقتدرانه با جهان و صدقی فروتنانه با وطن.

به گزارش پیام آشنا به نقل از نورنیوز، نخستین نشست خبری مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور بعدازظهر دوشنبه ۲۶ شهریور در سالن اجلاس سران برگزار شد و مجموع تمام رویدادها این نشست خبری را به یکی از متفاوت‌ترین جلسات رئیس‌جمهور با خبرنگاران تبدیل کرد؛ از پوستری که در محل استقرار رئیس‌جمهور بود تا پاسخ‌هایی که درباره حقوق شخصی و هزینه ستادش پرسیدند.

«برای ایران»، «وفاق ملی» و «گردنم در گرو وعده‌هایم»، سه ضلع پیروزی بخش کمپین انتخاباتی پزشکیان بود و تکرار دوباره آن‌ها در پوستر محل نشست، نشان داد که قرار است بر سر وعده‌های خود بماند. چند بار و به عناوین مختلف هم درپاسخ به خبرنگاران تاکید کرد که پای وعده‌هایش ایستاده‌است.

مجری نخستین نشست خبری پزشکیان، هادی حیدری، از روزنامه‌نگاران و کاریکاتوریست‌های مطرح کشور بود و از ابتدای نشست متفاوت بودن آن را نوید می‌داد. سالن مملو از خبرنگار بود و این یعنی همه گروه‌های خبری یا جناح‌بندی‌های سیاسی و رسانه‌ای حضور داشتند و سوال پرسیدند.

پرسش‌های روتین خبرنگاران که تقریبا در تمام نشست‌های خبری و برای تمام روسای جمهوری مشابه و در یک قالب است با پاسخ‌های متفاوت پزشکیان روبرو می‌شد؛ متفاوت از آن جهت که پیچیده‌ترین چالش‌های کشور را به زبانی ساده اما به صریح‌ترین شکل ممکن پاسخ می‌داد. گرچه این سادگی را برخی برنمی‌تابند اما به نظر روشن است که، پزشکیان با سابقه وزارت بهداشت و پنج دوره نمایندگی مجلس و بورد تخصصی قلب، بیان ساده را با ساده‌انگاری مسائل دشوار اشتباه نمی گیرد. دست‌کم و تا به اینجای کار، در انتخاب وزرای کابینه و معاونان و همراه سازی مجلس و بسیاری دیگر از نهادهای کشور، نشانه‌ای از ساده‌انگاری موضوعات نیست و شاید ساده گفتن از مشکلات، یادگار دوران تدریس او در دانشگاه باشد که روان گفتن از موضوع پیچیده‌ای چون قلب را تنها راه آموختن طبابت آن می‌دانست.

اقتصاد به عنوان اَبَر موضوع مورد پرسش، از سوی خبرنگاران رسانه‌های مختلف به سوژه‌های مختلفی تبدیل شد و گروهی به گرانی نان اشاره کردند و گروهی به دشواری معیشت مردم. رئیس‌جمهور تاکید کرد که برای قوت غالب مردم نباید نسخه‌های عجیب پیچید و این خط قرمز اوست که مراقب اقشار آسیب‌پذیر باشد. پزشکیان در پاسخ به پرسش‌های اقتصادی سعی کرد یادآور شود که بحران ناترازی تقریبا در تمام حوزه‌ها گریبان‌گیر کشور شده و برای علاج این بحران از اصحاب رسانه کمک طلبید.

بخش دیگری از پرسش‌ها حول موضوعات حساس چرخید، رئیس‌جمهور متهم شد که در دولتش از اصحاب فتنه استفاده کرده است! پزشکیان اما کنار نکشید و تصریح کرد «چیزی که‌شما می‌گویید فتنه، معلوم نیست که واقعا فتنه باشد. شما فکر می‌کنید حق با شماست و طرف مقابل هم فکر می‌کند حق با خودش است».

جملات رئیس‌جمهور تمام شده و نشده، خبرنگاران برای صراحتش دست زدند. در جایی هم ادعا شد که توطئه‌گران را به داخل راه می‌دهد؛ قاطعانه گفت هرکس توطئه کرده به دستگاه قضا تحویل دهید اما اگر در برابر اعتراض و نقد و سوالی، پاسخی ندارید، «خود» بشکنید که «آیینه» شکستن خطاست. گفت کسی حق ندارد بگوید اگر دوست ندارید، جمع کنید بروید، گفت وفاق یعنی اگر اشتباهی کرده تا آخر عمر بیچاره آن اشتباه نشود، پرسید کدام‌یک از ما اشتباه نکرده‌ایم؟ انسانی که اشتباه نکند مجسمه است.

برای هر جمله‌ای که با این مضمون گفت از اصحاب رسانه تشویق شنید. تلاش کرد در دام پرسش‌ها گرفتار نشود و پاسخ‌های خود را صادقانه بیان کند. وقتی از تداوم حضور گشت‌های ارشاد شنید، گفت که پیگیری خواهد کرد. وقتی شنید با آرای شکننده پیروز انتخابات شده، آشفته نشد، پذیرفت و گفت اگر نتوانیم کسانی را که اعتماد نکردند، به میدان بیاوریم، همه می‌بازیم. در تایید یک گلایه درباره عدم استفاده از جوانان گفت که «۴۰ سال است نیرو آوردیم و اشتباه کرده و باز یک نیروی دیگر آوردیم و به همین خاطر نیرو پیدا نمی‌شود».

پاسخ برخی پرسش‌ها هم به یک حقیقت تلخ ختم شد و رئیس‌جمهور در موضوع ناترازی‌های کشور و مشکلات مزمن اقتصادی چندبار از مفهوم ناچاری استفاده کرد. جایی گفت برای رفع ناترازی ناچاریم اقداماتی کنیم و در جای دیگری تصدیق کرد که برای رفع مشکلات صادر کنندگان ناچاریم موضوع FATF را حل کنیم و با مجمع تشخیص مصلحت نظام در ارتباط هستیم.

پاسخ به پرسش‌هایی که در حوزه مشکلات داخل، عمده‌ترین چیزی که جلب توجه می‌کرد این بود که رئیس‌جمهور و تیم کاری او هنوز به پلن یا فرمولی برای اَبَرچالش‌ها دست نیافته‌اند و می‌توان خوشبین بود و سرعت تشکیل دولت و گردهم آمدن مسئولانی که در سه سال گذشته هیچ مسئولیتی نداشتند، را عامل نبود استراتژی بنیادین دانست و امیدوار بود تا نشست آتی یا اصحاب رسانه به بسیاری از «چه باید کرد»ها، پاسخی دقیق‌تر داده شود.

در سیاست خارجی اما رئیس‌جمهور در هر جمله از پاسخ خود، مدارایی را فریاد می‌زد که ایران قرن‌هاست در تلاش است آن را به جهان نشان دهد. وقتی از سفرش به عراق پرسیدند و او درباره برادری گفت؛ می‌شد شعف را از نگاهش خواند. وقتی گفت ترکیه قوم و خویش ماست و مرزها فقط مرزند، وقتی از درهای باز ایران به روی مصر و اردن سخن گفت، وقتی از دعوت ولیعهد عربستان از ایران خبر داد و بر برادری با برادر مسلمان تاکید کرد، در تمام این پاسخ‌ها می‌شد اعتقاد عمیق او را به زیست برادرانه با همسایگان ایران دریافت. پزشکیان این برادری را تنها راه ایستادن دربرابر جنایات اسرائیل اعلام کرد و گفت اگر کنار هم می‌ایستادیم اسرائیل جرات نمی‌کرد زنان و کودکان فلسطینی را قتل‌عام کند.

در چند پرسش و یا چند نوع ادبیات تلاش شد که از او موضع تندی در قبال غرب شنیده شود اما بازهم صادقانه و مقتدر گفت با هر کشور و دولتی که حقوق ملت ایران را به رسمیت بشناسد، بر سر مدار است حتی اگر آمریکا باشد. با این همه زیر بار حرف زور نخواهد رفت چه از طرف آمریکا باشد، چه روسیه. تاکید هم کرد که ایران دوستان دوران روزهای سخت و تحریم خود یعنی روسیه و چین را فراموش نخواهد کرد.

در پاسخ‌های خود سعی کرد بر باز بودن درهای اقتصاد ایران به روی سرمایه‌گذاران خارجی تاکید کند و در نهایت تصریح کند که تحریم ایران را متوقف نخواهد کرد و برای تحریم‌کنندگانش هم سودی ندارد. در پاسخ به تمام ادعاها درباره ارسال موشک هم گفت، رساندن و رسیدن موشک هایپرسونیک به یمن کار ساده‌ای نیست و ایران هم اساسا از این نوع موشک‌ها ندارد. درباره ارسال موشک بالستیک به روسیه هم تصریح کرد که ارتباطاتی وجود دارد و نمی‌شود که ما با روسیه ارتباطات خود را نداشته باشیم اما در مدتی هم که ما آمده‌ایم به‌هیچ عنوان این اتفاق (ارسال موشک) نیفتاده‌است».

نخستین نشست خبری رئیس جمهوری ایران، در حالی به پایان رسید که رئیس‌جمهور در آستانه عزیمت به نیویورک برای حضور در نشست سازمان ملل است و به قول خودش باید برای این حضور برنامه مشخص داشته باشد.

پزشکیان در سه ساعت گفتن و شنیدن با خبرنگاران و از آن‌ها، مثل همیشه خودش بود، شاید کمی مسلط‌تر، شاید کمی آرام‌تر و بسیار صادق‌تر. تسلطش بر زبان انگلیسی ذوق اصحاب رسانه را در پی داشت و روسیه را شوروی خواندنش و سهوی که در نام بردن از ماهواره ایرانی داشت، برخی را نگران کرد. با این همه مجموع واکنش‌ها به این نشست، در فضای حقیقی و مجازی مثبت ارزیابی می‌شود و این می‌تواند گامی آغازین برای بازگرداندن اعتماد و امید به مردم به عنوان مهمترین هدف دولت مسعود قلمداد شود.

برش

نظم جهانی یا سود امریکایی؟

امریکا به کرات مدعی شده چین آنچه را که نظم جهانی نامیده می‌شود، با اقداماتش دچار خلل جدی کرده اما واقعیت امر این است که امریکا با ورود به هر مقوله نامرتبط با خویش و حسدورزی‌های بی‌پایانش در قبال این غول شرق آسیایی سهمی فزون‌تر از هر کشور دیگری در مخدوش شدن نظم جهانی داشته است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایران، منطق جاری و شرایط موجود می‌گویند بزرگ‌ترین نبرد ژئوپلیتیکال را در ادامه قرن بیست و یکم امریکا و چین خواهند داشت که مدت‌هاست می‌کوشند حاکمیت بر شاهراه‌های اقتصادی جهان را در دست گیرند و البته چین طی ۱۰ سال اخیر دائماً تفوق بیشتری بر طرف امریکایی پیدا کرده است. امریکا ادعا می‌کند بعد از پیروزی متفقین در جنگ جهانی دوم لازم بود که غرب اداره امور دنیا را در دست گیرد و به همین سبب خودش «نظم جهانی» را پی ریخت. کارشناسان معتقدند نظم جهانی هر چه باشد و هر کشور ابداع‌گر آن باشد، باید حتماً با قواعد و دیدگاه‌های سازمان ملل که ۸۰ سال پیش تأسیس و مشغول به کار شد، همخوانی داشته باشد اما خبری از این همسویی نیست. خبری نیست چون امریکا همیشه می‌خواسته نظم جهانی را به گونه‌ای تعبیر و آن را اجرایی کند که منافع خودش در آن مستتر باشد. اینچنین است که پایه‌های تشکیل دهنده این «نظم جهانی» صوری فقط اصول و موادی از منشور سازمان ملل را دربر دارد که به ضرر امریکا و چند شریک بزرگ غربی‌اش نباشد و گزینشی عمل کردن آنها و اکتفا به بندها و اصولی محدود، تنها چیزی که برجای نگذاشته، یک نظم واقعی جهانی است.

امریکا کجا و چین کجا؟

پس از سال‌ها برقرار ماندن روال مخدوش فوق، اینک امریکا و البته آلمان و فرانسه مدعی‌اند چین یک خطر اصلی و بزرگ و تازه برای آنهاست زیرا هم قدرت قبضه کردن بازارهای اقتصادی جهان را دارد و هم از عزمی راسخ در این زمینه بهره می‌گیرد. این واقعاً تمسخرآمیز است که امریکا در شرایطی چین را به انحصارگرایی و زورورزی در صحنه‌های جهانی متهم می‌کند که چینی‌ها نیم قرن است ارتش خود را به هیچ مصاف برون‌مرزی گسیل نکرده‌اند حال آن که سالی نیست که امریکا به یک یا چند نقطه از جهان لشکرکشی نکند و به بهانه سرکوب تروریسم عده زیادی را به ورطه مرگ نکشاند.

امریکا طی ۷۰ سال اخیر بانی کودتاهایی متعدد علیه رژیم‌های قانونی کشورها و برکناری آنها و روی کار آمدن رژیم‌هایی شده که وابسته به این کشور بوده‌اند و نقاط اوج این بی‌عدالتی گسترده در گذشته دور در شیلی و آرژانتین و اخیراً در مصر و تونس مشاهده شده که دولت‌های مردمی برکنار شده و قدرت به دست رژیم‌ها و عمدتاً ژنرال‌هایی افتاده که برای هر یک از اقدامات و حرکات‌شان ابتدا از امریکا اجازه گرفته و سپس اقدام کرده‌اند.

چین در نقطه مقابل در امورات داخلی هیچ کشور دیگری دخالت نکرده و تلاش برای سرنگونی هیچ رژیمی و روی کار آمدن رژیمی دیگر نداشته و برخلاف امریکا که صدها پایگاه نظامی در سطح جهان دارد، فقط از یک پایگاه در کشور آفریقایی جیبوتی برخوردار است. نیروی دریایی چین هم نه در سطح جهان بلکه فقط بر دریای چین که یک شاهراه بین‌المللی برای مراودات این کشور به شمار می‌آید، نظارت می‌کند و این در حالی است که ناوگان‌های جنگی امریکا به هر آبراهی ورود و مهلکه ایجاد می‌کنند و عنصر امنیت را از بسیاری از دریاها و اقیانوس‌ها ربوده‌اند.

خاورمیانه؛ خط تفکیک آشکار دو کشور

چین البته سال‌هاست که ادعای تملک تایوان را داشته و این کشور را که با طراحی‌ها و توطئه‌های غربی‌ها و بویژه امریکا از درون چین کنده شد و به کشوری مستقل و دارای رویکردهای غربی تبدیل گشت، جزئی از خویش معرفی کرده و ملزم به بازگشت به مام‌وطن یعنی محدوده خویش دانسته است. اما این تنها مجادله ارضی و به روایت غربی‌ها مداخله‌جویی چینی‌ها در امورات دیگران بوده و این نیز محصول نگاه غیرمنصفانه غربی‌ها به تاریخ حیات چین و فراز و فرودهای سیاسی آن بوده که جدایی مذکور را در پی داشته است و ادعای پکن در مورد تایوان شاید عین واقعیت باشد. اگر خواستار شناسایی کشوری باشید که واقعاً بیشترین خطرات را متوجه نظم جهانی و صلح بین‌الملل کرده و خط تفکیکی بین امریکا و چین ترسیم کنید، کافی است به اتفاقات ۸ دهه اخیر خاورمیانه پس از مستقر شدن نسل‌کُش‌های صهیونیستی در این منطقه و بخصوص جنگ جاری در غزه که دوازدهمین ماه خود را سپری می‌کند، نگاهی بیندازید. واشنگتن البته مدعی است که بیشترین اقدامات آرامش‌بخش را در این منطقه اعمال داشته اما واقعیت امر چیزی خلاف این است و هر چیزی در رفتار ریاکارانه امریکا در منطقه مشاهده شده الا صلح‌طلبی. حتی در زمان‌هایی که غربی‌ها ادعا می‌کردند آوردن سران فلسطین و اسرائیل به کمپ دیوید و تلاش برای انعقاد پیمان‌نامه صلح بین آنها اقدام‌های مثمرثمری بوده، هیچ اثری از صلح در منطقه مشاهده نشد و نه یاسر عرفات رئیس سازمان آزادیبخش فلسطین (PLO) و انور سادات، رئیس جمهوری وقت مصر با یکدیگر کنار آمدند و نه زمانی که سادات توسط مخالفان صلح ترور و حسنی مبارک جانشین وی شد، اثری از یک همسویی واقعی بین دو طرف مشاهده نشد. پس از آن نیز تهاجم تاریخی اما بشدت ناموفق ارتش امریکا به خاک افغانستان و عراق با ادعای سرکوب تروریست‌ها هیچ حاصلی را بر جای نگذاشت و فقط موجب اتلاف ۲۰ سال وقت و بودجه پنتاگون و مرگ صدها سرباز و هزاران شهروند شد.

شراکت آشکار امریکا در نسل‌کُشی اسرائیلی‌ها در غزه

نقطه اوج تفاوت‌های بین نیات صلح‌جویانه پکن و اهداف جنگ‌طلبانه واشنگتن در غرب آسیا در سیاستگذاری‌های ۱۸۰ درجه متفاوت آنها در مورد جنگ غزه به چشم خورده است. در حالی که امریکا حامی اصلی و بزرگ رژیم جعلی صهیونیستی در بزرگ‌ترین قتل عام سراسری در باریکه غزه بوده، چین از هیچ تلاشی برای پایان دادن به این جنگ نابرابر خودداری نکرده و بارها بر لزوم برقراری آتش‌بس فوری و کمک‌رسانی به خیل مجروحان فلسطینی پای فشرده و این را در قالب قطعنامه‌های متعددی جست‌وجو کرده که با همراهی سایر کشورهای صلح‌طلب تنظیم و به شورای امنیت سازمان ملل ارائه شده و البته امریکا در ضدیت با آن و با هدف طولانی‌تر کردن جنگ تمامی این قطعنامه‌ها را طی یک سال اخیر یکی پس از دیگری وتو و غیرقابل اجرا کرده است.

وقتی امریکا میلیاردها دلار را صرف تجهیز ماشین جنگی رژیم کودک‌کُش تل‌آویو کرد و به عنوان حامی اصلی این رژیم شریک در ستاندن جان حدود ۴۳ هزار فلسطینی و مجروح شدن بیش از ۹۵ هزار نفر از آنها در جریان بمباران‌های شبانه روزی غزه شد، واشنگتن حتی مانع از اجرایی شدن احکام پیگرد کیفری نتانیاهو، قصاب تل‌آویو و نخست وزیر کابینه جنگ اسرائیل شد که توسط دیوان بین‌الملل داوری لاهه در هلند صادر شده بود و این بهانه را آورد که رسیدگی به بزرگ‌ترین نسل‌کُشی سنوات اخیر جهان در غزه و صدور حکم در مورد آن جزو صلاحیت‌های این دیوان نیست و حتی اقدام به تحریم سران این دیوان و صدور حکم بی‌کفایتی برای آنها کرد. مواردی که ثابت کرد امریکا به هیچ‌وجه خواهان صلح واقعی در غزه نیست و منافعش در استمرار جنگ نهفته است و هر چه در مورد برقراری آتش‌بس می‌گوید، دروغی آشکار بیش نیست.

آثار محوشونده امریکا

رفتارهای پر تزویر کاخ سفید در سرزمین‌های اشغالی در حالی شکل گرفته که از چین هیچ حرکت جنگ‌افروزانه‌ای در این منطقه مشاهده نشده و برعکس پکن منادی و حامی بزرگ صلح در منطقه بوده است. چین برخلاف امریکا هیچ پایگاه جنگی در منطقه ندارد و تنها سربازان اعزامی‌اش به نوار غزه نظامیان کم شماری بوده‌اند که به دعوت سازمان ملل در «نیروهای حافظ صلح» در این منطقه به کار گرفته شده‌اند. چین به واقع در خاورمیانه هیچ چیز را جست‌وجو نکرده الا برقراری روابط اقتصادی و تجاری پرثمر با کشورهای این منطقه و کمک‌رسانی به گردش هر چه بیشتر و بهتر امور در این کشورها. پکن در این تلاش‌ها موفق هم بوده و هم با امثال مصر، سوریه، کویت، امارات و دولت ریاض پیمان‌نامه‌های تجاری پرثمری را به امضا رسانده و هم در چشم‌اندازی پس بزرگ‌تر به یک همکاری سه‌جانبه با روسیه و ایران همت گماشته که این مورد آخر تبدیل به یک قطب بزرگ جدید در تعیین وضعیت امروز و آینده خاورمیانه شده و ژئوپلیتیک تازه‌ای را برای کل جهان ترسیم کرده است، ژئوپلیتیکی که البته باعث افتادن هر چه بیشتر امریکا از چشم جهانیان شده است. چین با ایفای رلی کلیدی در سازمان تازه تأسیس شده «بریکس» و تشویق ایران قدرتمند به عضویت در این نهاد بر میزان تأثیرگذاری بریکس بشدت افزوده و به یک قوت قلب تازه برای کل جهانیان تبدیل شده است.

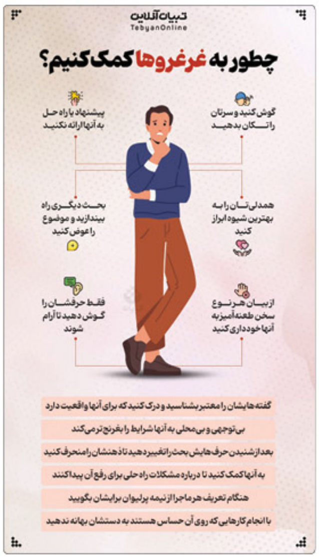

تبیان آنلاین
TebyanOnline

چطور به غرغروها کمک کنیم؟

گوش کنید و سرتان را تکان بدهید
پیشنهاد یا راه حل به آنها ارائه نکنید
همدلی‌تان را به بهترین شیوه ابراز کنید
بحث دیگری راه بیندازید و موضوع را عوض کنید
از بیان هر نوع سخن طعنه‌آمیز به آنها خودداری کنید
فقط حرفشان را گوش دهید تا آرام شوند

گفته‌هایشان را معتبر بشناسید و درک کنید که برای آنها واقعیت دارد
بی‌توجهی و بی‌محلی به آنها شرایط را بغرنج‌تر می‌کند
بعد از شنیدن حرف‌هایش بحث را تغییر دهید تا ذهنشان را منحرف کنید
به آنها کمک کنید تا درباره مشکلات راه حلی برای رفع آن پیدا کنند
هنگام تعریف هر ماجرا از نیمه پرلیوان برایشان بگویید
با انجام کارهایی که روی آن حساس هستند به دستشان بهانه ندهید

دیدگاه

میدان برای دیپلماسی

بسیار شنیده شده که مثلا «به ما چه مربوط در سوریه یا لبنان یا فلسطین و... چه می‌گذرد، که اصلا در آنجاها دخالت بکنیم یا نکنیم». این خیلی خوب می‌شود که ما کاری به کار جای دیگری نداشته باشیم و سرمان به کار خودمان باشد ولی این وقتی امکان‌پذیر است که دیگران هم کاری به کار ما نداشته باشند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از شرق، هشت سال پیش در چنین روزی یادداشتی داشتم با عنوان «کمی شیشه‌خرده داشته باشیم». اما موضوع یادداشت چه بود و منظورم از شیشه‌خرده چیست؟ موضوع یادداشت برمی‌گشت به این نظر بسیار شنیده‌شده که مثلا «به ما چه مربوط در سوریه یا لبنان یا فلسطین و... چه می‌گذرد، که اصلا در آنجاها دخالت بکنیم یا نکنیم» و گفته بودم این خیلی خوب می‌شود که ما کاری به کار جای دیگری نداشته باشیم و سرمان به کار خودمان باشد ولی این وقتی امکان‌پذیر است که دیگران هم کاری به کار ما نداشته باشند و بعد گفته بودم، اما چنین چیزی اصلا امکان‌پذیر نیست و کشور ما یک جزیره دورافتاده مانند «جزیره ایستر» در اقیانوس آرام نیست که هیچ کس تا قرن‌ها از وجودش باخبر نباشد و اینجا که ما هستیم، نامش خاورمیانه است و در خاورمیانه، وقتی از عمق استراتژیک برای هر کشوری صحبت می‌کنیم، این عمق استراتژیک گاهی تا آن‌سوی مرزهای چند کشور آن‌طرف‌تر هم می‌رود و این نه‌تنها برای کشور ما، بلکه برای کشورهای دیگر منطقه خاورمیانه هم صادق است و منظورم از این شیشه‌خرده، مثل همان خانه‌های قدیمی است که روی هِره دیوارشان، شیشه‌خرده کار می‌گذاشتند که یک زمانی یک نفر از دیوارشان بالا نکشد و این شیشه‌خرده، امروز و در عالم سیاست یعنی یک کاری بکنی که بتوانی خودت را در این خاورمیانه‌ای که این‌قدر متلاطم است، حفظ بکنی. برای نمونه همین داستان افغانستان که ماجرای مهاجرانش بعد از استقرار دوباره طالبان در آن کشور و موج پناهندگانش در همین بی‌سروسامانی سه سال گذشته کشورمان، چه وضعیتی را فراهم کرده که حتی برخی، از آن بهانه‌ای ساخته‌اند برای نفرت‌پراکنی قومی که اگر فکری برای آن نشود، می‌تواند این نفرت‌پراکنی قومی را به معضلی داخلی نیز تبدیل کند.

یا در مثالی دیگر، یادتان هست درست یک سال بعد از آن یادداشت «شیشه‌خرده» و در مهرماه سال ۹۶ ماجرای «رفراندوم استقلال کردستان عراق» پیش آمد؟ و یادتان هست که تنها جایی در جهان که از این رفراندوم حمایت کرد اسرائیل بود؟ و نمی‌دانم یادتان هست که در همان زمان، بودند نخبگانی در همین کشور خودمان که با طرح موضوع «حق تعیین سرنوشت» از این رفراندوم حمایت می‌کردند، بدون آنکه توجه کنند که گیریم این رفراندم استقلال، به نتیجه هم رسید، آیا گمان می‌کنید داستان به همین‌جا ختم می‌شود؟ و همین شد که در یک مجموعه چهار قسمتی از این نوشتم که چرا این رفراندوم خطری برای تمامیت ارزی کشور ماست؛ یعنی اتفاقی که در کشوری دیگر رخ می‌دهد، به‌دلیل همان عمق استراتژیک فقط مسئله آن کشور نیست که اتفاقا مسئله ما هم هست. برای همین هم بود که اسرائیل از آن حمایت می‌کرد و هنوز هم حمایت می‌کند؛ درحالی که عراق همسایه ماست ولی همسایه اسرائیل نیست. چون دقیقا آن ماجرا بر تمامیت ارزی ما اثر مستقیم داشت. یا بیاییم نزدیک‌تر، به همین ماجرای دو سال پیش و مرگ خانم مهسا امینی. اتفاقی که نباید می‌افتاد، ولی در نتیجه همان بی‌سامانی سه‌ساله که ضرباتی مهلک بر کشور وارد کرد، آن ماجرای دو سال پیش هم رخ داد و بعد، آن ماجرای تجمع برلین که به بهانه مرگ آن دختر بی‌گناه، پرچم کشور جعلی کردستان برافراشته شد و خیلی‌ها اصلا به این توجه نکردند که برافراشتن چنین پرچمی یعنی چه و در جوگیری آن داستان که حالا دیگر ماجرا تمام است، از خود بیخود شدند. اما در این سال‌ها فقط بی‌تدبیری‌ها نبود، بسیار تدبیرها هم بود که خیلی از ما یا معنای آن را درنیافتیم یا به هر دلیلی عَلَم مخالفت با آن بلند کردیم؛ تدبیرهایی که با نام میدان در کشورمان شناخته می‌شود و بسیاری با آن مخالف بودند و هستند، اما وقتی در ادامه آن میدان به دیپلماسی می‌رسیم، ارزش میدان معلوم می‌شود و این دیپلماسی کجا خود را نشان داد؟ یکی در همین ماجرای دو هفته اخیر و پذیرش اقلیم کردستان عراق که گروه‌ها و فرقه‌های مسلح جدایی‌طلب خلع سلاح و از مرزهای کشورمان دور شوند. اتفاقی که باید همه ما از آن استقبال کنیم و یادمان باشد که در ماجرای دو سال پیش، با هر مبنایی که داشت، گروه‌های تجزیه‌طلب هم بسیار از آن بهره بردند که فقط یکی از آنها ماجرای برافراشتن پرچم کشور جعلی کردستان بود و مهم‌تر از آن، شادمانی خیابانی پس از شکست تیم ملی از آمریکا و انگلیس بود، رخدادی باورنکردنی که کسی جرئت نداشت به شادی‌کنندگان شکست اعتراض کند. اگر امروز رئیس‌جمهور کشورمان به عراق می‌رود و رئیس اقلیم کردستان عراق، به زبان فارسی رو به دوربین سخن می‌گوید، در پاسخ به هوشیاری دیپلماتیک رئیس‌جمهورمان است که رو به دوربین به زبان کردی حرف می‌زند و همه اینها ناشی از همان شیشه‌خرده‌ای است که در میدان نشانش دادیم. اگر دیپلماسی جواب می‌دهد، با تکیه بر میدان است و اصلا میدان را می‌خواهیم که بتوانیم در دیپلماسی از آن استفاده کنیم؛ و الا میدان که به ذات خود کارکردی ندارد و دیپلماسی هم وقتی اثربخش است که قبلش قدرت میدان با همان شیشه‌خرده تثبیت شده باشد. یادمان باشد، حالا که اثربخشی این دو را در پیوند با هم دیدیم، موارد دیگری هم هست که وقتِ نشان‌دادن کارکرد دیپلماسی متکی بر میدان است. یکی برجام، یکی زنگزور، یکی جزایر ایرانی خلیج فارس، یکی کریدورهای منطقه‌ای. کم نیستند از این دست موارد. فرصت را از دست ندهیم که دیگر زمانی باقی نمانده است.

مهرداد احمدی شیخانی